



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۶ اکتوبر ۲۰۱۹

خلیل الله معروفی

طنز نیست؛ یعنی طنز هست!!!



خوشبختانه و به اصطلاح جدیدخیالان، "از بخت نکو"، وطندران بسیار زیاد را میبینیم، که در عرصه نویسندگی پای گذاشته اند و نشان انگشتِ قلم خود را به دیگران القاء میکنند. این بدین معناست، که در عرصه داد و گرفت معلومات، که اینترنت بهترین و مهمترین ممثل و صحنه تمثیل آن است، بسیار زیاد است تعداد هموطنان ما، که قلم میزنند و پیام خود را به دگران میرسانند. بازهم این بدین معناست، که هیچ کس نه تمام نوشته ها و مقالات همه نویسندگان را میخواند و نه وقت و ذوق و ضرورت خواندن آن همه مطالب را دارد. خلص کلام، که دوستی تلفون زد و فرمود، که یکی از نویسندگان هموطن تبصره ناخوشایندی درباره مقاله ات کرده است. طبق نشانی آن دوست مقاله مورد نظر را باز کردم:

بلی؛ یکی از نویسندگان عزیز افغان در صفحه ۱۳ اکتوبر ۲۰۱۹ "آریانا افغانستان آنلاین" مقاله ای معنون به "ریان چیست؟" را نشر کرده و مطالب سودمند و کارامدی را از وکیپدیا ترجمه کرده پیش کشید. وی با نقلهای قول فراوان از این و آن، خود را خزان خزان به اصل مطلب کشانده چنین نوشت:

«یکی از نویسندگان محترم افغان مطلبی را تحت عنوان: «ناکام مضمون پشتو»، در حالی که تاکید میکنند که "طنز نیست"، بدست نشر سپرده است. واقعاً نتوانستم درک کنم، که نویسنده با این مطلب چه هدفی را، تعقیب می نموده اند...»

طرز بیان ایشان فحوا و مصداق مثل مشهور پشتو را، که «په گزاری نه یم، په خړپی یم!!!» عملاً ثابت میسازد. چون ایشان فقط به عنوان مقاله - به هردو عنوان - نظر دوخته اند، ولی نوشته را یا هیچ نخوانده اند؛ و یا اگر خوانده اند، دقیقاً نخوانده اند و متوجه نشده اند، که این مقاله دو قسمت دارد؛ یکی قسمت اول، که مقدمه است و حیثیت "طنز" را دارد و منبعث است، از مذاکره تلفونی بین نویسنده و دوستش در شهر میونشن و خاصتاً جمله "طنزآمیز" آن دوست، که گفت:

«خیر اس ماروفی صایب!

اگر جهان دیگری پس ازین زندگانی بود و ما دوباره زنده شدیم و من معلم مضمون پشتوی تان شدم، باز شما را ناکام میکشم!!!»

و دیگر قسمت جدی و گویا پیام اصلی مقاله، که تعلیل و علت یابی "یادنگرفتن" زبان پشتو در پایتخت و چشم و چراغ وطن ما کابل است.

اگر نویسنده محترم طرز بیان و روحیه نوشته مرا و بالخاصه گفته دوستم را درست در نظر میگرفت، میدانست، که قسمت اول آن، "طنزگویا" نوشته شده است!!! این، که در عنوان به خط جلی نوشته ام، که "طنز نیست!!!"، دقیقاً مفهوم متضاد خود

را افاده میکند. منتقد عزیز مثلی، که چیزی را به نام "کنایه" در زبان نشنیده است و از درک باریکیها و ظرافتهای زبانها نیز عاجز است.

اگر در پشت دروازه دوستی میرویم و به جار بلند میگوئیم، «در خانه کسی نیست؟؟؟» این سؤال شکل سمبولیک را دارد، چون مقصود ما از گفتن این جمله دقیقاً مفهوم «در خان کسی هست؟» است. اگر به کسی میگوئیم، که «خی چرا نمیخوری؟» مقصود ما اینست، که «بخور!!!» و اگر میگوئیم «چرا نرفتی؟»؛ یعنی «باید میرفتی!!!»

افاده «نی» در مفهوم «اثبات» تنها خاصه «زبان دری» نیست، بلکه این شیوه افاده در زبانهای دیگر جهان هم به وفرت دیده میشود. در زبان المانی مثلاً میپرسیم:

Niemand ist da?

و مراد ما اینست:

Ist jemand da?

و یا در زبان انگریزی از بهر مثال میپرسیم:

Nothing is wrong?

و مقصد ما اینست، که:

Something is wrong

اگر به زبان عربی نظر اندازیم و «قرآن» را، که شهبازی درین «زبان» پنداشته شده است، مدّ نظر بگیریم، به بسا جملاتی برمیخوریم، که بدین سنخ طرح شده اند؛ و من فقط یکی از انواع این جمله پروری را مثال میدهم. جملاتی چون «افلا تعقلون» و «افلا تعلمون» و «افلا تذکرون؟» را باربار در قرآن و از قرآن خوانده و شنیده ایم، که بر همین سیل بریده شده اند، زیرا:

– وقتی «افلا تعقلون» میگوئیم؛ یعنی «چرا از عقل کار نمیگیرید؟» بدین معناست، که «باید از عقل کار بگیرید!!!»

– و وقتی «افلا تعلمون» گفته شود؛ یعنی «چرا نمی فهمید؟» یا «چرا علم آوری نمیکنید؟»، بدین مفهوم است، که «باید بفهمید؟؟؟» و یا «باید از علم کار بگیرید!!!»

– و وقتی «افلا تذکرون؟»؛ یعنی «چرا پند نمیگیرید؟» را میخوانیم، معنایش اینست، که «باید پند بگیرید!!!»

صدها مثال دیگری از چنین شیوه افاده را میتوان از زبانهای مختلف پیش کشید، تا ناقد و منتقد و ایرادگیر عزیز ما را متقاعد بگرداند، که گپ از چه قرار است و به گفته کمی پهلودار: «یک نان چند فطیر است!!!»

چه فائده ای متصور است، اگر از قول بزرگان درباره «زبان» نطلهای پیهم و پیاپی و پی در پی و پشت به پشت و پشت سر هم بکنیم، وقتی خود درباره «زبان» و بالخاصه «زبان مادری و پدری» خود نیندیشیم و آن را از نظر خریداری ارزیابی نکنیم؟؟؟ و من میگویم:

«چه آسان است از بزرگان نقل قول کردن و چه مشکل است، به کُنه قول منقول رسیدن!!!»

و باز به عبارت دیگر میگویم:

«ملاصاحبان ما هم صدها آیت قرآن را پیش میکشند و قلفله میفرمایند، مگر معنای یکی از آنها را هم نمیدانند!!!»

فکر کنم، بسا کسان، غیر از آن ارجمند، به رؤیت همان یک جمله میتوانند حدس بزنند، که روحیه آن قسمت طنزی نوشته، بر طرز ترکیب عنوان تسلط دارد. حلاوت دگر گفتار ناقد عزیز درینست، که فکر کرده، نویسنده مقاله «ناکام مضمون پشتو» واقعاً در «مضمون پشتو» ناکام مانده است، با وجودی، که صریحاً نوشته است:

«... خلاصه با وجودی، که از صنف اول تا صنف دوازدهم مکتب – که از صنف دوم به بعد در لیسه جلیلی حبیبیه گذشت – پشتو خوانده ام و نمراتم در پشتو بین ۶ تا ۸ حرکت میکرد و با وجودی، که متون پشتو را بدون اشکال درک کرده میتوانم، اما متأسفانه قادر نیستم، که بدون هراس و ترس و لرز پشتو گپ بزنم...»

استنتاج ناقد محترم مبنی بر "ناکامی نویسنده در زبان پشتو"، فقط بر حدس و گمان خود "ناقد" استوار گردیده است، چه از متن نوشته چنین مطلبی استشمام شده نمیتواند!!! جهت یاددہانی مشدد و مؤکد موضوع یک بار دیگر و به زبان دگر میگویم: معلوم میشود، که ناقد صاحب محترم ما، فقط عنوان مقاله را از نظر مبارک خود تیر کرده، ولی به خود این زحمت را نداده است، تا متن مقاله را هم مطالعه فرماید. درین اواخر متوجه شده میروم، که بسا ناقدان و منتقدان محترم هموطن ما و بالخاصه آنان، که گویا نام و نشانی در عرصه قلم کسب کرده اند، متون "مورد نقد" را به دقت مرور نمیکنند؛ و پیوسته و به اصطلاح شیرین عوام "درگد"، میکوشند از ذهن خود "بدرنگانند" و حاصل کار خود را "نقد" بشمارند!!!

به ناقد محترم چند نکته را یاددہانی میکنم:

– یکی این، که "اوه نادیده موزه های مبارک خوده نکشند!!!"

– دیگر این، که اگر قرار باشد بر همین مقاله ایرادگیرانه ایشان نقد بنویسند، چه بسا نکاتی را بیرون نویس خواهند کرد، که ناقد اصلاً متوجه "غلط بودن" آنها نیست، که نیست!!! درینجا لنک همان مقاله ایشان را می اندازم، تا آگاهان "زبان دری"، آن را باری به دقت و از نظر خریداری مطالعه فرمایند:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Yusufi_akbar_۶۴_zaban_cheest.pdf

– هیچ کس ادعاء ندارد، که یک نوشته به مذاق همه خوانندگان برابر باشد!!!

– و آخر الامر به ناقد محترم پیشنهاد میکنم، که اگر دلک نازک ایشان بسیار کوفت کرده است، حق الزحمه "نخواندن" مقاله ام را بنویسند، تا برای کار "ناکرده" شان پولی به عنوان "تاوان" بپردازم!!!

خیر و برکت بر آنانی، که نادیده شهادت نمیدهند!!!

(همبورگ – ۲۲ اکتوبر ۲۰۱۹)



طنز نیست؛ یعنی طنز هست!!!

Maroofi_k_۳۸_tanz_neest_yanee_tanz_hast.pdf